

نفی و انکار به جای پذیرش واقعیت‌ها

مومنی با طرح این پرسش که چگونه می‌شود از دریچه دانش توسعه این پدیده شکنندگی و ناپایداری مستمر را توضیح داد؟ گفت: متغیرهایی وجود دارد که کانون‌های اصلی آسیب‌پذیری را قابل درک می‌کند. رابطه مردم با حکومت، وضعیت بنیه تولید ملی، وضعیت فقر و نابرابری، وضعیت مشارکت مردم در سرنوشت اقتصادی-سیاسی-اجتماعی خود، پایداری محیط زیستی، وضعیت وابستگی به دنیای خارج و وضعیت فساد در جامعه متغیرهای مورد اشاره هستند. آیا در این زمینه‌ها عوامل نگران کننده جدی مشاهده می‌شود؟

متأسفانه تصمیم گیران ما به جای پذیرش واقعیت‌ها، رویه نفی و انکار را در اولویت قرار می‌دهند و زمانی که واقعیت‌ها قابل انکار نباشند، واکنشان به سمت رفتار غیرصمیمی با مردم می‌رود. کانون اصلی شکرآب شدن رابطه مردم شوروی با حکومت‌شان این بود که سیاست گذاران در آن کشور آرمان‌ها و اهداف اصیل و خوبی مطرح می‌کردند اما در فرآیند تخصیص منابع پول در اولویت قرار گرفته بود.

این شکاف ریشه در بازارگرایی افراطی به ویژه در سال‌های پایانی حکومت شوروی داشت. حکومتگران در شوروی، با اتکای غیرمتعارف به توانایی‌های امنیتی خود به حرف مردم گوش نمی‌دادند و قوه قضاییه آن کشور تیغ بسیار کندی به فساد افراد وابسته به حکومت داشت.

در مورد تجربه ایران، علاقه مندان را دعوت به مطالعه گزارش سه جلدی وزارت کشور با عنوان وضعیت اجتماعی کشور می‌کنم.

کلیدی‌ترین نکته این گزارش این است که اعتمادزدایی غیرمتعارفی رخ داده که از لحاظ اعتماد عمومی به ساختار پروکراتیک به آستانه سقوط رسیده است.

در گزارش‌های رسمی روی این بحران اعتماد تمرکز ویژه‌ای وجود دارد لذا رابطه مردم با حکومت نیاز به یک رابطه اساسی و بنیادین دارد.

استاد دانشگاه علامه در خصوص متغیر بنیه تولیدی به عنوان یکی از کانون‌های آسیب‌پذیری خاطر نشان کرد: وضعیت نزولی بهره‌وری کل عوامل تولید، سی



اشاره:

شاخه اقتصادی فرهنگستان علوم اقدام به برگزاری سلسله نشست‌هایی با موضوع «ارزیابی تحولات اخیر کشور و ریشه‌های اقتصادی آن» کرد.

در سومین نشست این فرهنگستان، فرشاد مومنی - اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه - در ابتدای سخنان خود گفت: پدیده اخیر خلق الساعه رخ نداده و باید به آن مانند یک حلقه از یک زنجیره نگاه کرد.

شروع این زنجیره را باید از اعتراضات به نسبت گسترده دهه ۱۳۷۰ در نظر بگیریم که مرداد ۱۳۷۰ در نجف‌آباد و زنجان آغاز شد سپس به صورت زنجیره ای در فروردین ۱۳۷۱ در شیراز، در خرداد ۱۳۷۱ در مشهد، در اردیبهشت ۱۳۷۱ در اراک، مرداد ۱۳۷۳ در قزوین و در فروردین ۱۳۷۴ در اسلامشهر رخ داد. هر قدر به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم مشاهده می‌شود که فاصله بین این اتفاقات کوتاه‌تر شده و گستره بیشتری پیدا می‌کند. کانون اصلی این نابسامانی‌ها و ناآرامی‌ها را باید در شیوه نادرست سیاست‌گذاری بدانیم. وی افزود: ایران از نظر نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع با پدیده شکست سیاست‌گذاری روبرو است به این معنی که در سه دهه گذشته از یک ضعف مفرط در اندیشه برخوردار بوده است.

در این سه دهه تقریباً تمام سیاست‌های کلیدی اتخاذ شده با شکست روبرو است یعنی سیاست‌های مربوط به آزادسازی تجاری، کوچک‌سازی دولت، حذف سوبسیدها و ... با شکست مواجه شده است.

زده شده اند و تکان دهنده تر این است که این صنایع را در خشک ترین مناطق کشور راه اندازی کرده اند. برای اینکه بفهمیم علی رغم شعارهای پر طمطراق در مساله وابستگی به دنیای خارج از منظر اقتصاد، چه اتفاقی رخ داده به اسناد پشتیبان برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز مراجعه کنیم تا بفهمیم دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد با اختصاص سالانه ۱۶٫۵ میلیارد دلار قابل تحقق است.

از نقطه عطف تدوین برنامه ششم تا امروز، برآوردهای سازمان برنامه می گوید که آن ۱۶٫۵ میلیارد دلار به ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است. ما به اندازه فاصله این دو رقم، دچار یک وابستگی ذلت آور و پرمخاطره در عرصه تولید ملی شدیم. اگر شما مشارکت مردم را بر نتابید، چاره ای جز دست نشانده شدن قدرت های بزرگ برایتان باقی نمی ماند.

عضوهیات علمی دانشگاه با اشاره به مساله فساد در کشور گفت: بیش از دو دهه است که هشدار می دهیم بر خورد های انفعالی و پستی با مساله فساد ما را در مهار این پدیده یاری نمی کند. راه نجات ایران از مسیر یک برنامه ملی مبارزه با فساد بر محور پیشگیری می گذرد.

هیچ عنصری به اندازه شوک های وارد شده به قیمت های کلیدی، قدرت تحمیل نابرابری های گسترده، فساد عمیق و وابستگی های ذلت آور را توضیح نمی دهد که همچنان دلبستگی های مسئولان به شوک وارد کردن مشاهده می شود.

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنان خود با در پاسخ به این پرسش که چرا مطالبات اقتصادی جایگاه بایسته ای در اعتراضات اخیر نداشتند، گفت: متداول ترین شعاری که در این مدت شنیده شده، زن، زندگی، آزادی است که نشان می دهد زندگی به عنوان معیشت در این جریان مطرح بوده اما این معیشت به معنای تغذیه برای زنده ماندن نیست.

مساله ای که برای من خیلی قابل اعتنا است، این است که برخی برآوردهای کارشناسی سطح بالا این را نشانه تشدید سرخوردگی ها از تمرکز روی شعارها و مطالبات معیشتی به ویژه در تجربه سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ به شما می آورند لذا بحران اعتماد از این ناحیه شدت گرفته است.



رسمی نشان می دهد که تجربه قدرت یک دست در دوره احمدی نژاد، قله انحطاط و فساد را برای ایران ثبت کرد.

گزارش های مرکز پژوهش های مجلس نیز می گوید در دوره احمدی نژاد نسبت به دولت قبل از او، هزینه ها برای دستیابی به یک واحد تولید ناخالص داخلی ۵ برابر افزایش یافته بود. ماجرای نحوه استقبال مردم از پدیده انتخابات در دو انتخابات آخر به وضوح نشان می دهد که وضعیت مشارکت سیاسی با ما چه کرده است.

طی بالغ بر سه دهه گذشته در سرشماری های صورت گرفته گفته شده نزدیک به دو سوم جمعیت فعال در تولید ملی نقشی نداشته اند. این بحران بر حسب آخرین گزارش اتاق بازرگانی حکایت از این دارد که آمیزه ضعف در اعتماد مردم به دولت و سقوط بنیه تولید، باعث شده نزدیک به ۶۱ درصد ظرفیت های صنعتی نصب شده بلااستفاده بماند.

وی در ادامه بیان کرد: بنابر گزارش های سازمان ملل از مجموع ۴۳ نااطمینانی شناخته شده حوزه محیط زیست در دنیا، ۳۴ گونه آن در ایران فعال است. این یک نشانه نگران کننده است.

آلوده کننده ترین رشته فعالیت ها به عنوان پیشران جا

رتبه سقوط در وضعیت شاخص رقابت پذیری در تولیدات کشور طی دهه ۱۳۹۰، سقوط ۳۴ درصدی در وضعیت شاخص رابطه مبادله در دهه ۱۳۹۰ و... نشان دهنده این است که بنیه تولید ما به خاطر میدان دادن غیر عادی به رانت جویان و دلالتان و... با سقوطی نگران کننده روبرو بوده و اگر حکومت گران چاره ای برای آن نیندیشند، شکنندگی های ما شدیدتر خواهد شد.

وی افزود: برای اولین بار در تاریخ برنامه ریزی ایران ما شاهد این هستیم در یک دوره ۳ ساله در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ جمعیت فقرا ایران دو برابر شده است.

به نظر می رسد خود این مساله به اندازه کافی گویا است. کلیدی ترین جهت گیری های لایحه بودجه ۱۴۰۱ این است که به طرز نگران کننده ای فقرساز و نابرابرساز است.

بیشترین فشارها بر گروه های فرودست و مزد و حقوق بگیران لحاظ شده و بیشترین معافیت برای بهره مندان با درآمدهای نامتعارف بالا در نظر گرفته شده است. سند بودجه ۱۴۰۱ تمرکز ویژه ای بر شوک های قیمتی گذاشته است.

مومنی با بیان اینکه نابرابرسازترین متغیر آسیب زا، توزیع ناعادلانه قدرت است، گفت: گزارش های



از این دریچه گفته می شود وقتی خواسته ها و مطالبات رادیکال می شوند، مطالبه شعارهای دم دستی به خاطر بی اعتمادی با بی اعتنائی مواجه می شود.

بحث بر سر این است که گفته می شود تا کی می خواهید بگویید هر فریادی دارید بر سر دولت های قبل بزنید؟ در این مدت یک سال و اندی که گذشته است، کاری کرده اید که این برداشت فراگیر شود که صد رحمت به دولت های قبلی! طنز تلخی که وجود دارد این است که این دولت همه چیز را به گردن دولت می اندازد در حالیکه او اولین کابینه ای است که در دو سال پیاپی برنامه دولت قبلی را تمدید می کند. اگر برنامه های آنان مقصر همه چیز است، این پافشاری شما را به پای چه بنویسیم؟

دولت و مجلس باید بی اعتنائی به نظام دانایی کشور را متوقف کنند. کافی است به اسناد رسمی انتشار یافته توسط همین دولت که برای سال ۱۴۰۱ مطرح کرده بودند، بپردازد.

اینجا گفته بودند که در سال ۱۴۰۱ یک میلیون مسکن برای مردم تدارک می بیند اما ببینید در همین سال چه شرایطی از لحاظ تملک و اجاره نشینی مسکن برای مردم پدیدار شده است.

مومنی افزود: کمیته دستمزد شوراهای اسلامی کار گزارشی منتشر کرده که می گوید با این سیاست های اتخاذ شده در حیطه مسکن، امید صاحب مسکن شدن که در دنیا استاندارد ۵ ساله دارد، برای کارگران ما به ۱۲۳ سال رسیده است.

شدت یأس و سرخوردگی برای آینده برای شریف ترین مردم این سرزمین را ببینید. حال وزارت مسکن تحقق این وعده را به این منوط کرده است که دستگاه های اجرایی زمین های مازاد خود را در اختیار وزارت مسکن بگذارد.

میزان قابلیت مدیریت درباره این وعده اینطور است که در آن گزارش نوشته شده که هیچ دستگاهی حاضر به همکاری با وزارت مسکن نشده است یعنی قابلیت هماهنگ سازی در قوه مجریه در این وضعیت قرار دارد که حتی زیرمجموعه وزارت مسکن هم حاضر نشده است زمین مازاد خود را در اختیار وزارت مسکن بگذارد.

البته گفته می شود که چنین انتظاری قابل پاسخ

دادن نیست چون اصلاً زمینی وجود ندارد اما مهم این است که عملاً هیچ ردی از تحقق آن وعده مشاهده نمی شود. الان حرف هایی زده می شود که در بهترین حالت ممکن است امسال ۱۰۰ هزار واحد مسکن جدید اضافه شود که این یعنی ۹۰ درصد عدم تحقق در یکی از دم دست ترین وعده ها رخ داده است.

مومنی همچنین می افزاید: اتاق بازرگانی می گوید با این شیوه که در برخورد با دسترسی به اینترنت ایجاد کرده اید، بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار شغل موجود را از بین بردید.

شما چگونه می خواهید وقتی وعده یک میلیون شغل می دهید، مردم به شما اعتماد کنند؟ برآوردهای کارشناسی وجود دارد که اگر یک میلیون شغل ایجاد شود، ما باید یک برنامه ای داشتیم که از دل آن رشد اقتصادی با کیفیت ۱۰ تا ۱۵ درصدی حاصل شود و متغیرهای کنترلی این مساله منحصر به رشد اقتصادی نیست.

باید متناسب با این انتظار انگیزه های سرمایه گذاری ایجاد کرده باشید. ما در چهارمین سالی هستیم که کل سرمایه گذاری صورت گرفته قادر به جبران استهلاکات هم نیست در نتیجه این حرف ها بی برای مردم تهیه نمی کند اما آبروی وعده دهندگان را به چالش می کشد.

این شیوه برخورد همه را به سمت سرخوردگی و رادیکالیزه شدن مطالبات پیش می برد. من صمیمانه و مشفقانه عرض می کنم که این به نفع هیچ کس در ایران نیست. اهل خرد و دانایی به امید دولت نمانند لذا همه باید مشارکت کنند حتی اگر با تحقیر و تلخ کامی مواجه شوند. خاضعانه از اهل خرد می خواهم که به کمک دولت و حکومت بیایند تا از این شرایط عبور کنیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود در رابطه با وابستگی ها به دنیای خارج افزود: در همین ماجراهای ناآرامی های اخیر، ببینید دو متحد استراتژیکی که توسط سیاست خارجه کشور تعیین شده، با ما چه کردند! روسیه قضیه پهپاد را راه انداخت که خدا این بی شفقتی تاریخی آنها را ختم به خیر کند.

من سهم ندانم کاری های طرف ایرانی را نادیده نمی گیرم اما می خواهم بگویم که ببینید روی دیوار چه کسی یادگاری می نویسد!

در همین ایام که مداخله نامتعارفی از ناحیه رسانه های خارجی برای دامن زدن به ناآرامی ها رخ داد، یکی از کارهای شگرف دولت به غایت محافظه کار چین این بود که با یک فرد ورشکسته ایرانی در شبکه دولتی چین مصاحبه کردند. آنها که اهل سیاست هستند می فهمند این یعنی چه! امیدوارم کسانی بفهمند که این

افزایش و تنوع حس طرد شدگی و حس حاشیه ای شدن در این طبقه به صورت ذهنی و عینی شاهد بودیم.

ساز و کارهایی که این بلاها را سر کشور آورده، شوک درمانی، مسئولیت گریزی در امور حاکمیتی یعنی سلامت، تغذیه، آموزش و مسکن مردم، صنعت زدایی بی سابقه، افزایش غیر متعارف در گستره و عمق فساد، توزیع ناعادلانه قدرت، ثروت و منزلت، اتخاذ سیاست های فلاکت زای توری و اشتغال زدا، اقتدار زدایی و مرجعیت زدایی از چهره های مقبول غیر حکومتی است.

در عین حال رهاسدگی گروه جمعیتی که به آنها NEET گفته می شود (یعنی گروهی که نه شاغل اند نه در حال مهارت کسب کردن هستند و دامنه سنی شان از ۱۵ تا ۲۴ ساله است) یک بحث جدی است که نه در سطح دولت و نه در سطح رسانه ملی درباره این پدیده چیزی دیده نمی شود در حالیکه مطالعات اقتصاد سیاسی در دو دهه گذشته می گوید پیشانی اعتراضات را این گروه تشکیل می دهند. نزدیک به دوسوم پذیرفته شدگان در دانشگاه، خانمها بودند و همزمان با سقوط مشارکت زنان مواجهه بوده ایم.

درآمد زنان برای درآمد خانوار خصلت مکمل دارد یعنی باید راه را از باز کنبد تا زنان، مشاغل متناسب با صلاحیت های خود را داشته باشند نه اینکه بزرگترین مداخلات در زندگی آنان را تا حد حیاط خلوت شان ببرید. اینها نیمی از جمعیت این کشور هستند.

نمی شود آنها را از بازار کار برانید و از شرم، آمارهای طلاق را ببوشانید و طبقه بندی کنید تا نگویند وقتی زنان شاغل نباشند خانواده ها متزلزل می شوند. ما در این زمینه خطاهای خیلی غیرعادی مشاهده می کنیم.

مومنی در پایان سخنان خود گفت: اینکه ما علی رغم همه سرخوردگی ها و روندهای ناامیدکننده و یأس آور هنوز انگیزه داریم و یافته هایمان را با همه مخاطراتش در میان می گذاریم بخاطر این است که مسائل ایران در تسخیر علم قرار دارد.

اگر حکومتگران گرامی علم را فصل الخطاب قرار دهند، هم می توانیم بفهمیم چرا دچار انحطاط شده ایم و هم ساز و کارهای برون رفت را ارائه دهیم.

منبع: موسسه دین و اقتصاد



این استاد دانشگاه همچنین افزود: آن چیزی که می توانیم به حکومتگران گرامی هدیه کنیم این است که پدیده اصلی و سرنوشت سازی که می تواند کانون اصلی اصلاح خطاهای گذشته و بازسازی کننده اعتماد متقابل بین مردم و حکومت باشد این است که حکومتگران گرامی روند فرسایش و فروپاشی طبقه متوسط درآمدی را در مرکز توجه خودشان قرار دهند. متأسفانه چیزی که من مشاهده کردم این است که چون مطالبات اقتصادی توسط تحلیل گران، کم مقدار جلوه داده می شود، به این مساله توجه بایسته نشده است. طبقه متوسط درآمدی، طبقه توسعه خواه کلیدی هر کشوری است.

در همه سطوح حیات اجتماعی این طبقه متوسط است که دنبال کیفیت است. استدلال های روشنی در این زمینه وجود دارد. بسیار ثروتمندها کیفیت را در خارج مرزها جست و جو می کنند و بسیار فقیرها به باقی ماندن و زنده ماندن اهتمام دارند لذا این طبقه متوسط است که متقاضی کیفیت باثبات است.

طبقه متوسط درآمدی در عین حال بزرگترین متقاضی فرآورده های فرهنگی است. به بازارگرا هم گوشزد می کنم که کیفیت بازار را همین طبقه مطالبه می کنند. مساله حیاتی این است که یک بی اعتنایی مشکوک و غیرمتعارف در این زمینه مشاهده می شود.

در دوره ۱۳۸۵ تا امروز ما با بی سابقه ترین سطوح

عبارت دشمن دشمن من، دوست من است خیلی ساده انگارانه است.

آنچه روسیه و چین به نمایش گذاشتند، عین کاری است که متحدان استراتژیک محمدرضا پهلوی با او کرده بودند. گزارش ها رسمی می گوید که در دوره سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ که ایران در قله درآمدهای نفتی قرار داشت، ۹۷۲ شرکت خارجی در ایران به ثبت رسیده بود.

از این تعداد ۳۷۱ شرکت در زمینه دلالی و بیمه، ۲۵۱ شرکت در زمینه بازرگانی، رستوران، هتل داری و ۲۰۶ شرکت زمینه ساختمان فعال بوده اند یعنی اغلب در حیطه هایی تمرکز کردند که در یک ساختار رانتی بیشترین بازدهی را دارد. این برای مردم ما هم تجربه خوبی است که مبادا فکر کنند از بیرون آبی برای ما گرم خواهد شد. راه نجات ما این است که توانمندی خود را بالا ببریم و بر اساس آن توانمندی می توانیم قابلیت گزینش گری داشته باشیم.

در سایت وزارت اقتصاد نوشته شده رتبه یک جذب سرمایه خارجی به افغانستان تعلق دارد. من این را مایه تحقیر افغان ها نمی دانم و همین که به ما اعتماد کردند قابل احترام است اما می خواهم بگویم از طریق جذب سرمایه افغانستان تنگناهای ما برطرف نمی شود و در عین حال آن تجربه سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ را هم نصب العین خود قرار دهیم.